

باتیک

سید محمد مهرنیا

نباشند و بعد از اتمام کار نیز پارافین را برمی دارند یا از طریق شکستن پارافین، فرم‌هایی جدید بر روی پارچه اجرا می‌کنند یا قبل از پارافین‌گیری از طریق شیوه‌ی گره‌زدن و یا مهرهای قلمکار، نقوش متنوعی را روی پارچه اجرا می‌کنند.

شایسته‌ی ذکر است که «پارچه‌های ابتدایی که از غارها و یا قبور فراغنه‌ی مصر پیدا شده است و رواج هنر باتیک در میان بومیان جاوه و سوماترا هر دو مؤید این مدعاست که هنر چاپ پارچه، قبل از رنگرزی به وجود آمده است و انسان آن دوره می‌توانست با وسایل ساده و با استفاده از رنگ‌های طبیعی، گل یا عصاره‌ی بعضی از درختان و پارچه را با نقش و نگار دلخواه بپاراید. پس از شناخته شدن رنگ‌های گیاهی هنرمندان آن دوره دریافته بودند که با گره‌زدن، دوختن، چین‌زدن و یا تا کردن نقاط معینی از پارچه می‌توانند از نفوذ رنگ به داخل آن نقاط مخصوص و مورد نظر جلوگیری نمایند و در نتیجه یک طرح بسیار ساده و ابتدایی روی پارچه ایجاد کنند.»^۱

باتیک چیست؟

باتیک در اصل هم هنر محسوب می‌شود و هم یک فن که در میان غربی‌ها به عنوان یک اثر خلاقانه‌ی اعجاب‌آوری شناخته شده است. در شیوه‌ی هنر تزیین لباس از موم و رنگ استفاده

ارائه‌ی تکنیک و مواد به کار رفته، و کیفیت بیانی، و هنری یا کاربردی بررسی کرد، بسا که در برخی جوامع مدرن این شیوه دیگر از حالت اصیل خود خارج شده است و جنبه‌ای کاملاً کلیشه‌ای به خود گرفته است؛ ولی در مقابل، در برخی کشورهای خاور دور علاوه بر جنبه‌ی کاربردی، جنبه‌ی روایت‌گونه نیز دارد و نیز برای بعضی جوامع افریقایی در بخشی از تزیینات البسه مورد استفاده قرار گرفته است و «خاتون‌های نیجریه لباس‌های قشنگی از این نوع می‌دوزند و بر تن می‌کنند.»^۲ و نیز کیفیت حضور باتیک در حال حاضر به انجای گوناگون تغییر یافته است و در برخی موارد با ساخت برخی مواد از فرایندهای آن کاسته است یا در اغلب موارد به لحاظ تزیینی بودن کارها بخش ثبوت را از آن حذف کرده‌اند؛ ولی از لحاظ اجرایی در هر حال به یک صورت اعمال می‌شود.

هنر باتیک در حال حاضر به عنوان هنری ملی در بخشی از کشورهای جنوب و شرق آسیا رواج دارد و معمولاً صنعتگران از ابزار و ادواتی بسیار ساده و ابتدایی استفاده می‌کنند؛ در این شیوه قبل از انجام مراحل رنگرزی پارچه را دندان‌می‌نمایند^۳ و سپس به پارافین‌گیری مبادرت می‌نمایند. پارافین در این عمل باعث می‌شود که قسمت‌هایی از پارچه رنگ‌پذیر

باتیک یا نقاشی روی ابریشم، هنری کاربردی است و بیشتر برای تهیه‌ی لباس، پرده، آباژور و ... به کار گرفته می‌شود و بعد از انجام فرایندهای لازم، پارچه در برابر شست و شو، نور و عوامل جوی مقاوم می‌شود و تقریباً جنبه‌ی کاربردی به خود می‌گیرد. «منشاء این هنر از چین و هند بوده است و مصریان باستان نیز در موارد خاص از آن سود می‌جستند.»^۴

به هر جهت باتیک واژه‌ای است جاوه‌ای (یکی از جزایر کشور اندونزی) که به پر کلاغی نیز معروف بوده است و چون در گذشته‌های دور معمولاً قسمت‌هایی از پارچه را که رنگ‌آمیزی می‌شد به اشکال خاصی گره می‌زدند یا می‌دوختند و سپس مبادرت به رنگرزی می‌کردند، بنا بر این رنگ در قسمت‌های گره‌خورده یا دوخته شده نمی‌توانست نفوذ کند، پس از پایان عملیات رنگرزی و باز شدن گره‌ها و نقاط دوخته شده قسمت‌هایی که رنگ جذب نکرده بود، حالتی نگاتیو در متن رنگی به خود می‌گیرد و باز از آنجا که معمولاً فقط از رنگ سیاه استفاده می‌شود، این نقوش بر حسب تصادف حالت پر کلاغ را تداعی می‌کرد و به همین جهت برای تمایز از سایر منسوجات رنگرزی شده پر کلاغی نیز خوانده می‌شد.

برای شناخت تاریخی این هنر در ایران ابتدا باید آن را با شیوه‌های رایج در نقاط دیگر چه از لحاظ





مجتمع الجزایر مالایا و به سمت غرب تا خاورمیانه در مسیر کاروان‌های تجاری اشاعه یافته است. همچنین هنر باتیک خیلی پیش از این، در دوره‌ی خاندان «سو» (۵۸۱ - ۶۸۱ م) در چین آزموده شده بود و در دوره‌ی «نارا» در ژاپن (۷۱۰-۷۹۴ م) نیز نمونه‌های پارچه‌های ابریشمی نقاشی شده با تکنیک باتیک یافت شده است. نقوش این پارچه‌ها از طرح درختان، حیوانات، نوازندگان، صحنه‌های شکارگاه و کوهستان تشکیل شده بود.

هیچ سندی دال بر یافتن پارچه‌های کتان‌ی قدیمی باتیک در هند در دست نیست ولی در نقاشی‌های دیواری غارهای آجنتا بر تن افراد، دستارهای سر و لباس‌هایی به چشم می‌خورد که ممکن است از نوع باتیک باشند. در خرابه‌های معبد جاوا و بالی بیکره‌هایی وجود دارند که لباس‌هایشان از طرح خاصی پوشیده شده است و دلالت بر وجود باتیک دارد. نشانه‌هایی وجود دارد که بیانگر این نکته است که صادرات شایان توجهی از پارچه‌ی ابریشم، از چین به جاوا، سوماترا، ایران و هندوستان انجام می‌شده است.

در حفاری‌های آثار بدست آمده گاهی با پارچه‌های کتان‌ی یا پشمی که از قدیمی‌ترین نمونه‌های یاده شده است و متعلق به قرن پنجم میلادی است مواجه می‌شویم که طرح‌هایی با زمینه‌ی آبی دارد. پارچه‌های مذکور احتمالاً در مصر یا در سوریه بافته شده‌اند. در مرکز آفریقا نوعی رنگرزی وجود دارد که ماده‌ی اصلی آن چسبی ساخته شده از برنج و نشاسته است و قرن‌هاست که این روش در قبیله‌ی «یوروبا» (واقع در شمال نیجریه و سنگال) استفاده می‌شود.

اندونزی، بخصوص قسمت عمده‌ی جزیره‌ی جاوا، جایی است که در آن شیوه‌ی باتیک به انتها درجه‌ی کمال خود رسیده است. در سال ۱۸۳۵ هلندی‌ها زنان بافنده‌ی اندونزیایی را به کشور خود بردند تا به زندانبانان هلندی بافندگی را بیاموزند. همچنین تولیدات سوییسی از این قسم، در اوایل ۱۹۴۰ از تکه‌ی

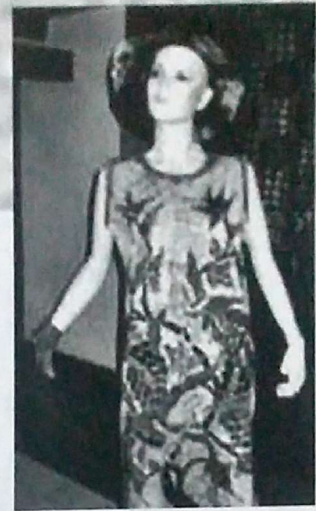
می‌شود و این شیوه قرن‌هاست در جاوا و اندونزی امتحان شده که به بخشی از رسوم باستانی مردم تبدیل شده است و امروزه بسیاری از باتیک‌های تولید شده در دنیا هنوز هم در آنجا تولید می‌شود.

ریشه‌ی کلمه‌ی باتیک به کلمه‌ی تیک^۹ باز می‌گردد که در زبان اندونزیایی و جاوایی به معنای نقطه است. روش کار بدین طریق است که موم داغ را با قلم مخصوصی بر روی پارچه می‌ریزند و با این شیوه طرح خود را روی پارچه ثبت می‌کنند. موم داغ مانع نفوذ رنگ روی پارچه می‌شود و لایه‌ی عایقی بر روی الیاف پارچه بر جای می‌گذارد که پس از سرد شدن موم، بدون اینکه الیاف زیر موم رنگ‌پذیر شوند. رنگرزی پارچه امکان‌پذیر می‌شود. این شیوه روی یک پارچه بارها و بارها می‌تواند تکرار شود تا طرح‌ها و رنگ‌های بسیار متنوعی بوجود آورد. پس از آخرین شست و شوی پارچه، یکی از عجیب‌ترین و زیباترین دستاوردهای بشر (باتیک) بدست می‌آید که برای استفاده در لباس، پرده، رومیزی و غیره بسیار جذاب است. علاوه بر آن باتیک‌های معاصر با روش‌های مختلف روی پارچه‌های کتان‌ی، ابریشمی، پشمی و... قابلیت چاپ شدن را دارند و در این راه از انواع کلیشه‌ها و باسمه‌های چوبی یا فلزی استفاده می‌کنند. در هر حال باتیک به شکل تاریخی آن هنری رسا و پرمعنی است و هنرمندان برای رسیدن به مهارت‌ها و روش‌های نو، تلاش می‌کنند و گسترش دامنه‌ی تکنیک‌های سودمند آن به هنرمندان این امکان را می‌دهد که در فرآیند انعطاف‌پذیر و بی‌نظیر آن کاوش‌های بیشتری را انجام دهند.

سیر نفوذ باتیک در جهان

بنابر نمونه‌های قدیمی باتیک، این فن ابتدا در شرق دور، خاورمیانه، مرکز آسیا و هند در حدود ۲۰۰۰ سال قبل وجود داشته است. اینکه این مکان‌ها بی‌نفوذ تجارت و مبادلات فرهنگی، به تنهایی توسعه و پیشرفت داشته‌اند خیلی دور از حدس نیست. اگر چه به نظر می‌رسد که این هنر از آسیا به ایسلند و





مومی که بتدریج از جاوا توسعه پیدا کرده بود تقلید می کرد.

در اوایل سال های ۱۹۰۰ میلادی آلمانی ها قسمت عمده ی تولیدات خود را به چاپ باتیک اختصاص دادند. امروزه نمونه های بسیاری از باتیک های دست ساز در دنیا وجود دارد و علاوه بر این تکنیک های توسعه یافته، روش رایانه ای چاپ باتیک است نیز وجود دارد.

اگرچه متخصصان در تعیین دقیق سرچشمه های پیدایش باتیک اختلاف نظر دارند ولی نمونه های قدیمی و مقاوم از پارچه ی رنگ شده به شیوه ی باتیک در دست است که مربوط به ۱۵۰۰ سال پیش در مصر و خاورمیانه است، همچنین نمونه هایی در ترکیه، هند، چین، ژاپن و غرب آفریقا یافت شده است که به قرون گذشته تعلق دارد. اگرچه مردم این کشورها از رنگرزی با ثبات بر روی پارچه آگاهی داشته اند ولی نمونه های بدست آمده از این مناطق از لحاظ پیچیدگی و توسعه یافتگی با نمونه های تولید شده ی اخیر در جزیره ی جاوا در اندونزی هرگز برابری نمی کند.

با اینکه از بافته هایی با تزیینات عالی در آلمان قرن هفدهم ذکر شد، اما اغلب دانش پژوهان معتقدند که باتیک های با طراحی پیچیده ی جاوایی، ابتدا از طریق صادرات لباس های عالی باتیک به اندونزی و هندوستان معرفی شدند و پس از آن با واردات این اقلام به اروپا در سال های ۱۸۱۵ میلادی به دنیا راه پیدا کردند. نمونه های نساجی باتیک ممکن است با الگوبرداری از روی نقوش مجسمه های سنگی تراشیده شده بر روی دیوارهای معابد جاوا (همچون معبد پرام بانان ۱۰ متعلق به قرن ۸۰۰ میلادی) بدست آمده باشند، اگرچه هیچ مدرک قطعی که جنس لباس مجسمه های

کنده کاری شده از نوع باتیک باشد در دست نیست ولی احتمال دارد که الگوی اولیه و تکنیک بافت منسوجات از همانجا اقتباس شده باشد ولی تکنیک رنگرزی آن متفاوت باشد. پرواضح است که در قرن نوزدهم میلادی باتیک در اوج توسعه یافتگی اش بصورت رنگرزی نخ، قبل از بافت، در زندگی و فرهنگ مردم جاوا رواج داشته است.

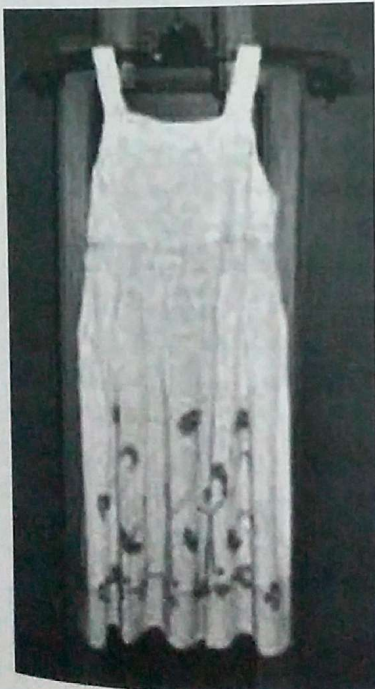
اغلب متخصصان بر این تصورند که افتخار امتیاز باتیک در مقام یک روش هنری به خاندان های سلطنتی کشور جاوا تعلق دارد چرا که به طور مطمئن از لباس هایی که آنها در قصر سلطان می پوشیدند الگوبرداری شده است. شاهدخت و زنان نجیب زاده ی درباری نیز به منظور آراستگی بیشتر و پالایش طرح های این هنر در جهت استفاده از الگوهای سنتی، تأثیری فراوان داشته اند، اما بسیار بعید به نظر می رسد که خودشان به طور مستقیم رنگرزی و نقاشی باتیک را انجام داده باشند و بسیار احتمال دارد که صنعتگران این حرفه در دربار و تحت نظارت مستقیم آنان باتیک های پیچیده و متنوع را تولید کرده باشند.

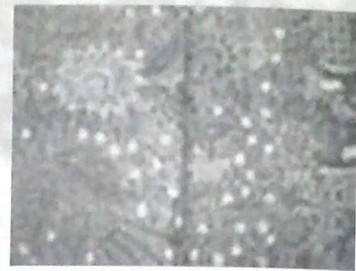
خاندان سلطنتی می دانستند که باید پشتیبانی بزرگ برای هنر باشند و این پشتیبانی شرط اصلی پیشرفت همه ی هنرها بود. گروه های تولیدکننده ی عروسک های چرمی به نام «وایانگ» و گروه های موسیقی و عروسک گردان هایی بودند که از حمایت خاندان سلطنتی جاوا برخوردار بودند. این افراد نه تنها وظیفه شان عروسک سازی بود بلکه بدلیل استفاده از تزیینات نقره ای روی چرم عروسک ها و استفاده از نقوش درهم و برهم روی جعبه های ساخته شده برای دربار، منبع اصلی طرح ها و نقوش باتیک بشمار می آمدند. عروسک های «وایانگ» معمولاً از پوست بز ساخته می شدند و روی آنها سوراخ ها و نقاشی هایی ایجاد می شد که خطای دید ایجاد کند، بطوری که بیننده تصور می کرد که عروسک لباس بر تن دارد، سپس این عروسک ها به بانوان مشتاق باتیک فروخته

می شد و آنان از وایانگ به عنوان الگوی باتیک استفاده می کردند.

خانم ها پس از خرید عروسک ها آنها را می شکافتند و تکه های چرم را روی کاغذ یا پارچه می گذاشتند و بادمیدن گرد زغال بر روی چرم و رد شدن ذرات زغال از سوراخ های چرم، نقوش بدست آمده را برای استفاده در باتیک بکار می بستند و از آن باتیک ها در لباس های خود استفاده می کردند. بدین ترتیب یکی از اولین ژورنال های "ابتدایی در جاوا بوجود آمد.

برخی از دانش پژوهان با این تصور که باتیک در مقام یک هنر در دربار پرورش یافته است مخالفند و معتقدند این هنر در میان مردم شهر «راکیات» متداول بوده است و دانستن این هنر جزو فضیلت های خانم های جوان بشمار می آمده است و توانایی استفاده از «کتینگ» (قلمی که با آن موم را روی پارچه می کشند) در حکم مهارت های اضافی آنان بوده است و توانایی در این شیوه به اندازه ی اهمیت و وظایف خانه داری و هنر کدبانوگری برای زنان جاوا بوده است.

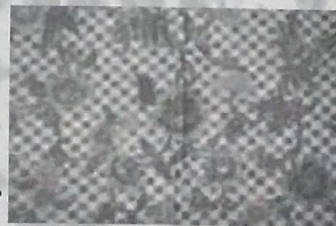
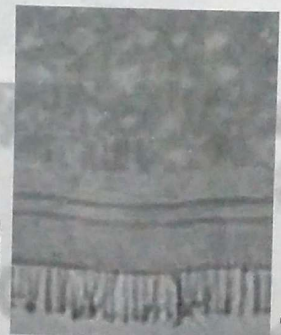




شرح تصاویر
 ۱- مجموعه‌ی «سارونگ‌ها»^{۱۵} از چاپ باتیک ساخته شده‌اند. این مجموعه دارای انواع مدل‌ها و طرح‌هایی است که مناسب دختران جوان و خانم‌هاست. این مجموعه بیشتر از طرح باتیک اندونزی و بافت‌های سنتی بالی تشکیل می‌شود.

۲- «سارونگ» و شال از بافت ایکات «بالی» که بافنده‌های حرفه‌ای آن را می‌بافند.
 ۳- نقاشان و هنرمندان اهل بالی نقاشی کشیده‌اند، که مجموعه‌ی نقاشی از مضامین والای فرهنگ و هنر بالی الهام گرفته و بازگوکننده‌ی روش زندگی سنتی، فرهنگ، هندویسیم و معماری است. در نقاشی‌هایی از رقص بارونگ^{۱۶} بالی، نقاشی رنگا^{۱۷}، نقاشی اساطیری، نقاشی از روستاهای بالی، نقاشی از شخصیت‌های قدیم بالی و از اجتماع زنان در بالی از سبک باتیک استفاده شده است.
 ۴- باتیک در لباس‌های زنانه بر روی ابریشم مصنوعی و طبیعی، بصورت دستی و یا طرح‌هایی با مهرگونه، نقاشی می‌شود بافته‌های تجاری که به شکل انبوه در فروشگاه‌ها وجود دارند هرگز چنین نقوشی ندارند، و از لباس‌های کنار دریا گرفته تا لباس‌های رسمی همه با این تکنیک ساخته می‌شوند.
 ۵- باتیک در کلاه‌های زنانه و مردانه و با کیفیت عالی، کار دست و طرح‌های مهردستی.

۶- کیف‌های طرح باتیک با نقاشی‌های دستی و مهرهای دستی، که با طرح‌های جدید و مد روز
 ۷- نمونه‌ی بافت ایکات
 ۸- «سارونگ» کنار دریا، «سارونگ» معمولاً در اندازه‌های ۱۸۰x۱۱۰ سانتیمتر و از ابریشم مصنوعی درست شده است. سارونگ در باتیک بخوبی شناخته شده است. برای ساخت سارونگ از مهرهای چوبی، فلزی یا مهرهای سنتی استفاده می‌شود. نقاشی دستی سارونگ این گونه است که ابتدا طرح روی ابریشم مصنوعی و بر روی سطح تخت نقاشی می‌شود، بنابراین طرح دقیقاً همانی نیست که نقاشی و رنگ آمیزی شده است. ■



۱- در شرایط کنونی این نقاشی بر روی پارچه‌های گوناگون اجرا شده ولی در حالت سنتی و اصیل خود بر روی ابریشم خالص صورت می‌پذیرد.

۲- در برخی موارد باتیک در مقام یک تابلوی آوین، نقش ایفاء می‌کند.
 ۳- حسین کلاقیچی، هنر باتیک (تهران، مرکز دانشگاهی، ۱۳۶۶)، ص ۶

۴- به عنوان مثال برای تسریع در امر چاپ و تکثیر، از شیوه‌ی سیلک‌اسکرین در قالب چاپ باتیک استفاده می‌نمایند.

۵- همان منبع؛ ص ۷
 ۶- دندانه در اصطلاح به معنی اضافه کردن موادی برای تثبیت و رنگ‌پذیری بیشتر الیاف است. این مواد از نظر شیمیایی باید قابلیت حل شدن در ماده‌ی رنگی را داشته باشند و طرز عمل این املاح به گونه‌ای است که با وجود آوردن خلل و فرج و یا خراش در روی سطح الیاف باعث می‌شود که رنگ بیشتری به داخل الیاف نفوذ نماید (رتگرزی الیاف ویکتوریا، ج. افشار، ص ۱۸۴)

۷- بعد از اتمام مراحل رنگرزی و ثبوت، با اتوی داغ و یا بزنون یارافین را از سطح پارچه برمی‌دارند و کار آماده‌ی ارائه می‌شود.

۸- همان منبع؛ ص ۷-۹ Tik-9-10 Prambanan

۱۱- Wayang ۱۲- مجله‌های مد ۱۳- Rakyat ۱۴- Canting

۱۵- Sarong سارونگ پارچه‌ی بلندی است که زنان و مردان اندونزی و مالزی به دور بدن خود از کمر تا زیر بغل به طرف پایین می‌پوشند.

۱۶- Barong ۱۷- Ranga